

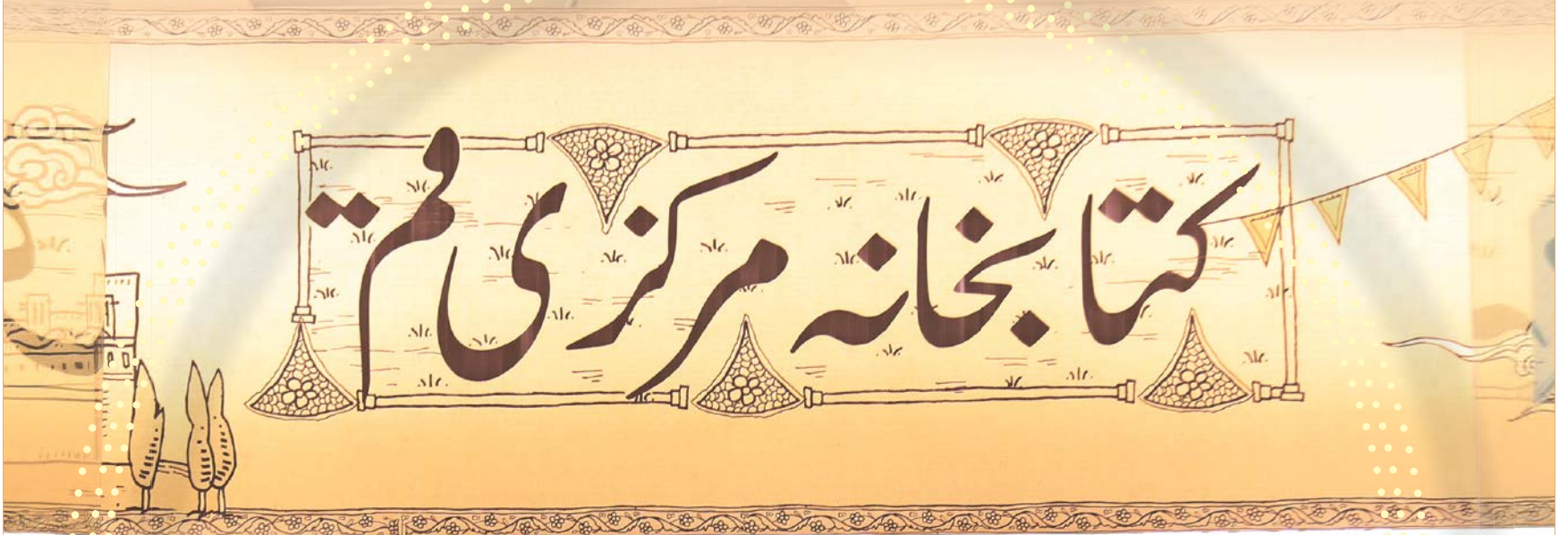
قوانین کتاب

۲۱۲ | ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم | سه شنبه؛ ۲۳ خرداد ۱۴۰۲

گشت و گذاری لابه لای کتاب‌ها و کتابخوان‌ها در «کتابخانه مرکزی قم»

خیال‌پردازی و اندیشه‌ورزی در دمای ۴۰ درجه!

۵۴۰



سفری معنوی
به یک
ساحت مقدس

ما
و جنگ جهانی
جذابیت

بازتعریف
شخصیت‌های
تاریخی



کودکستانم در همان خیابان بود. با کیف قرمز راه راهی که انگار طرحش را از دستمال یزدی‌های قدیمی گرفته بودند. هر روز روانه‌ام می‌کردند به ساختمان آبی‌رنگی که پیروداز بیچه‌های قدونیم‌قد. کیف کوچک قرمز راه‌راه، همه دنیا بید بود. کیف می‌کردم مدام مدادها و دفترچه‌ها را در بیاورم و جای‌شان را با خوراکی‌ها عوض کنم؛ همه چیز را برون بریزم و دوباره از نو بچینم. در همین حال وهوا بودم که در مسیر کودکستان تا حرم، همیشه یک ساختمان و تابلویش، نظرم را جلب می‌کرد. این جلب توجه تا همین چند روز پیش ادامه داشت. سال‌ها بعد که در سن و سال جوانی، تنها عازم قم می‌شدم، چند بار وارد ساختمان شدم اما جز مقبره‌ای که در ورودی قرار داشت، چیز بیشتری ندیدم. به جز اعضا، کس دیگری راه راه نمی‌دادند و من هم امکان عضویت نداشتم.

رونمایی از کتاب «شهاب‌دین» کنجکاوی‌ام به دیدن آن ساختمان را بیشتر کرد. ۳۰ و چند سال از آن روزهای کودکستان می‌گذشت و من هنوز مترصد بودم تا به طریقی به آن ساختمان مرموز وارد شوم. نویسنده کتاب، فرزند شهیدی بود که می‌شد باب خواهر برادری را با او باز کرد. گفت‌وگویی رسانه‌ای درباره کتابش ترتیب دادم و بعد از چاپ مصاحبه، درخواستم را گفتم. می‌خواستم حالا که حاج سید محمود مرعشی نجفی، تا این حد او را دوست دارد و کتابش را پسندیده است، کاری کند من هم به آن ساختمان پررمزوار، راهی پیدا کنم. چند ماه بعد، پیام خواهر بزرگوارم، خانم زهرا باقری در یک پیام رسان داخلی شادم کرد. پنجشنبه صبح، آیت‌ا... مرعشی ما را به حضور پذیرفته بود. چشم برق افتاده بود. فانتزی چندین و چندساله‌ام در حال تحقق بود. دلم نیامد تنها بروم. خانم باقری هم تنها نبود. انگار خیلی‌ها مثل من، منتظر بودند به دل آن ساختمان بروند. بعد از زیارت مرقد آیت‌ا... مرعشی، پله‌ها و راهروها ما را به ساختمانی هدایت کرده بودند که بوی هویت می‌داد. اتاق ریاست کتابخانه، دست‌وپای هر کتاب‌دوستی را سست می‌کرد و در گاو صندوقی مخزن کتاب‌های خطی، چشم هر بیننده‌ای را برق می‌انداخت. من بیشتر از هر چیزی محور رفتار مهربانانه و گفتار مشفقانه آیت‌ا... سید محمود مرعشی بودم؛ چه این‌که با دیدن هر روحانی، به این فکر می‌کنم که اخلاقش چقدر به حسن خلق نبوی و علوی نزدیک است...

کتاب «آن مرد بی‌نهایت» در ایام رحلت حضرت امام (ره) با حضور محمدعلی عباسی‌اقدم (نویسنده اثر) و محمدرضا کائینی (پژوهشگر و منتقد) در سرای کتابخانه کتاب و ادبیات ایران رونمایی و بررسی شد.

دفتر سوم از یک مجموعه

در این نشست محمدعلی عباسی‌اقدم با بیان این‌که پرداختن به سبک زندگی علما یکی از دغدغه‌های من است، گفت: مطالعاتم در این حوزه از سال ۱۳۹۰ آغاز و در کتاب اقیانوس آرام به سبک زندگی علامه سید محمد حسین طباطبایی پرداختم و دفتر نشر معارف اسلامی آن را منتشر کرد. «کرشمه ماه» سومین دفتر از مجموعه «قله‌ها به آسمان نزدیک‌ترند» است و در سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد. کتاب آن مرد بی‌نهایت نیز به زندگی امام خمینی (ره) می‌پردازد. دفتر سوم این مجموعه نیز به سیر و سلوک آیت‌ا... بهجت اشاره دارد.

آینده و ضرور و زبان‌های معنوی

این نویسنده با اشاره به انگیزه نوشتن مجموعه کتاب‌های قله‌ها به آسمان نزدیک‌ترند، گفت: در جایی نقل قولی از امام موسی صدر خواندم که چراغ راهم برای نوشتن این کتاب‌ها شد. امام موسی صدر گفته بود که بزرگ‌ترین دغدغه ما در گذشته ضرور و زبان مادی بود اما در آینده نزدیک این ضرور و زبان معنوی خواهد بود. بنابراین احساس کردم به واسطه سال‌ها حضور در میدان باید به فعالیت‌های معنوی بپردازم. پرداختن و نگاه به سبک زندگی علما راهی برای رسیدن به فعالیت‌های معنوی بود.

به دنبال معنویت

عباسی‌اقدم ادامه داد: امام خمینی (ره) کسی بود که دین و خدا از کودکی تا آخرین لحظه‌های زندگی در وجودش نمود داشت و توجه به معنویت، اسلام و خدامحوری در زندگی‌اش قابل مشاهده بود. در همه فصل‌ها و روایت‌های این کتاب نیز دین باوری و خدا باوری در زندگی امام بروز و ظهور دارد. بنابراین با نگارش این کتاب به دنبال رسیدن به معنویت بودم و تلاش کردم توجه جامعه را به مطالعه کتاب‌هایی از این نوع سوق دهم.

فصل پایانی زندگی امام (ره) و یک کتاب جداگانه

وی درباره نپرداختن به سبک حکومت‌داری امام خمینی (ره) در کتاب آن مرد بی‌نهایت گفت: یکی از دغدغه‌های من از نوشتن هرکدام از فصل‌های این کتاب، ادای دین بود. پس ابتدا بخش پایانی زندگی امام خمینی (ره) را نوشتم، اما آن را از کتاب حذف کردم چون معتقدم فصل پایانی زندگی امام خمینی (ره) به یک کتاب جداگانه نیاز دارد و این‌گونه خلاصه نوشتن حق مطلب را ادا نمی‌کند. از این‌رو در این کتاب به این موضوع اشاره نکردم. از سوی دیگر با پرداختن به این موضوع حجم کتاب افزایش پیدا می‌کرد و از حوصله خوانندگان خارج می‌شد.

از نبود معنویت رنج می‌بریم

عباسی‌اقدم گفت: امام موسی صدر در کتاب «انسان آسمان» می‌گوید که می‌خواهم از تک تک شما بپرسم کدام حرکت شما از روی دین است. من رسیدن به این دین و معنویت را در سیره علما جست‌وجو می‌کنم. با توجه به تجربه روزنامه‌نگاری و حضور در میان مردم فهمیدم ما از نبود معنویت رنج می‌بریم و کمبود و نبود معنویت و گرایش به دنیا و دنیا دوستی ما را اذیت می‌کند و باید آن را ترمیم کنیم. این ترمیم از طریق توجه به زندگی علما ممکن می‌شود.

ضرورت بازتعریف شخصیت‌های تاریخی توسط قلم‌های وفادار

در نشست رونمایی از کتاب «آن مرد بی‌نهایت» مطرح شد؛

به زندگی علما بیشتر بپردازیم

وی افزود: از کتاب آن مرد بی‌نهایت، چیزهای زیادی آموختم و این کتاب سرشار از زندگی است. ما به طور مداوم نام امام خمینی (ره) را می‌شنویم و تصور می‌کنیم درباره ایشان همه چیز را می‌دانیم اما این‌گونه نیست. بنابراین باید به زندگی علما بیشتر بپردازیم. برای شناخت و الگو قراردادن این شخصیت‌ها باید به آنها توجه کنیم و از روند رشد و شکل‌گیری این شخصیت‌ها برای نوجوانان و جوانان بنویسیم تا در جریان مراحل رشد و راه و روش آنها قرار بگیرند.

کتاب‌های دفتر نشر در زندان‌های پهلوی

در ادامه، محمدرضا کائینی (نویسنده و منتقد ادبی) با اشاره به سابقه فعالیت دفتر نشر معارف بیان کرد: این نشر در چند سال اخیر حرکت نوینی برای احیا و سربرآوردن از خاکستر خاموش انجام داده است. این انتشارات پیشینه پرافتخاری مخصوصاً قبل از انقلاب اسلامی ایران برای مبارزان مسلمان دارد و کتاب‌های این نشر در زندان‌ها برای تقویت و حفظ روحیه زندانیان دست به دست می‌شد. این انتشارات در دهه ۶۰ و ۷۰ از پرشکوه‌ترین ناشران محسوب می‌شد و اکنون توانسته جایگاه خود را دوباره پیدا کند و پیش ببرد. برای هر فردی در ساحت اندیشه مذهبی در طول چهار دهه گذشته نام این انتشارات یک نوستالژی است.

بازتعریف واقعیت‌های تاریخی با قلم‌های وفادار

وی ادامه داد: با گذشت زمان شخصیت‌های نامدار ما در طول تاریخ نیاز به بازتعریف دارند. یکی از راه‌های جلوگیری از تحریف واقعیت‌های تاریخی بازتعریف آنها از سوی قلم‌های وفادار به حقیقت است. نسل جدید متأثر از افکار و جریان‌های متفاوت است و برای بازتعریف جریان‌های تاریخی باید خلاقیت و ظرافت به خرج دهیم. یکی از مصادیق این نوآوری کتاب «آن مرد بی‌نهایت» است. جای خوشحالی است که ناشران مذهبی، سیاسی، تاریخی و... به سبک و شیوه خودشان شخصیت‌های مختلف را بازتعریف می‌کنند. بازتعریف شخصیت‌ها راه را برای تحریف می‌بندد.

پایان باشکوه بنویسیم

این نویسنده عنوان کرد: حذف بخشی از زندگی امام خمینی (ره) در این کتاب شیوه درستی نبود و بهتر بود نویسنده هرچند اندک به این فصل می‌پرداخت. نپرداختن به پایان زندگی افراد با این توجه که آنها همیشه زنده هستند کار درستی نیست، بلکه می‌توانیم این پایان را باشکوه بنویسیم.

«آن مرد بی‌نهایت» جذابیت دارد

وی ادامه داد: همه ما ممکن است رشته‌های مطالعاتی مختلفی همچون رمان، تاریخ، ادبیات، جغرافیا و... داشته باشیم و جرقه خواندن یا نوشتن این موضوعات از جایی و از طریق خواندن کتاب یا مقاله و حتی دیدن یک عکس به ذهن ما رسیده باشد. بنابراین خواندن هیچ کتابی ما را از خواندن کتاب‌های دیگر بی‌نیاز نمی‌کند. کتاب‌هایی همچون «آن مرد بی‌نهایت» که به زبان داستان نوشته شده‌اند و جذابیت دارند، می‌توانند ما را به خواندن آثار دیگر نیز سوق دهند.

چند پیشنهاد

کائینی در پایان گفت: برای افرادی که به دنبال سفارشی‌نویسی یا فانتزی‌نویسی نیستند، ارزش بیشتری قائل هستم. برای توجه به سلیقه بصری مردم بهتر است آلبوم‌های عکس، اسناد کمتر دیده‌شده و دست‌خط‌های امام خمینی (ره) نیز در این کتاب آورده شود.



نپرداختن به

پایان زندگی افراد

با این توجه

که آنها همیشه

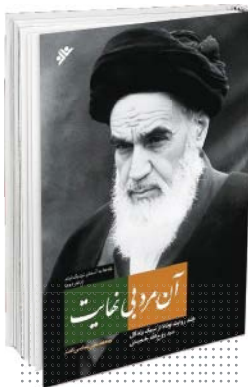
زنده هستند کار

درستی نیست،

بلکه می‌توانیم

این پایان را

باشکوه بنویسیم



ما و جنگ جهانی جذابیت

محمد سرشار

نویسنده



چند شب پیش خواندن نخستین کتابی که از نمایشگاه کتاب خریده بودم، پایان یافت و دیگر خوابم نبرد!

کتاب «بهترین سواری عمر» درس‌هایی است که مدیرعامل دیزنی از ۱۵ سال مدیریت این غول سرگرمی آموخته. این درس‌هایی است که چند ماهی است درگیر تولید پویانمایی هستیم، بسیار آموزنده و همزمان بسیار ترساننده بود. تاثیر کتاب بر ذهنم آن قدر عمیق بود که دیگر چشمانم برهم نیاسود. ترس به جانم افتاد که آیا برای رسیدن به بالاترین کیفیت ممکن با بهینه‌ترین میزان هزینه، برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟ آیا در جنگ جهانی جذابیت، به اندازه کافی خلاقانه پیش رفته‌ایم؟ آیا خواهیم توانست با مخاطب جهانی خوب سخن بگوییم؟... پرسش‌ها در آسمان افکارم جولان می‌دادند و تنها راهی که برای ساکت کردن شان یافتیم، دست گرفتن کتابی درباره «پیکسار» بود.



کتاب بهترین سواری عمر توسط «رابرت ایگر» یهودی نوشته شده؛ مدیرعامل موفقی که هنوز دوست دارد بعد از دیزنی، رئیس جمهور آمریکا شود و جالب این که یک سال پس از بازنشستگی، دوباره به دیزنی فراخوانده شده تا در ۷۲ سالگی به کارش ادامه دهد. کتاب ۳۶۴ صفحه دارد و اگر حوصله نداشتید، می‌توانید ۱۸۷ صفحه اول را بخوانید و یکراست بخش دوم کتاب یعنی دوران مدیریت عامل دیزنی را بخوانید.

متن کتاب جذابیت بالایی دارد و ترجمه آن هم روان است. برای من، نفسگیرترین فصل کتاب، فصل نهم آن درباره مذاکرات رابرت ایگر با استیو جابز برای خرید پیکسار توسط دیزنی بود.

اگر ناشر و مترجم به مخاطب ایرانی اهمیت می‌دادند و در یک مقدمه، ساختار شرکت دیزنی و نحوه مالکیت آن را توضیح می‌دادند، محتوای کتاب برای خوانندگان ایرانی جذاب‌تر می‌شد.

چاپ اول کتاب با ترجمه هانیه منشی‌زاده و شمارگان ۱۵۰۰ نسخه به بهای ۹۹ هزار تومان توسط نشر هورمز منتشر شده است.

همراه با انتشار و معرفی ۲ اثر نوجوانانه صورت گرفت؛

ورود نشر بین الملل به حوزه کتاب‌های نوجوانان

رضاشعبانی

خبرنگار



«بنده بر کتاب کودک و نوجوان تأکید دارم؛ خوشبختانه دیدم در چندین غرفه بر این مسأله کار شده و باز تأکید می‌کنم برای کودکان و نوجوانان هرچه می‌تواند کتاب تهیه کرده و ما را از کتاب‌های بیگانه بی‌نیاز کند که بتوانیم کتاب‌های با فرهنگ و جهتگیری‌های خودمان را در اختیار نوجوانان مان بگذاریم.»

جمله‌های بالا نکاتی بود که رهبر معظم انقلاب در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران امسال مطرح کردند.

کتاب کودک و نوجوان در دهه‌های اخیر همواره به عنوان یکی از حوزه‌های درخشان چه به لحاظ کیفی و چه از نظر کمی در حوزه فرهنگ مطرح بوده است. معرفی نویسندگان و شاعران جوان و مؤلفانی که حرفی برای گفتن دارند، سبب شد تا حوزه ادبیات کودک و نوجوان در ایران پس از انقلاب رشد چشمگیری داشته باشد؛ حوزه‌ای که همواره به عنوان یکی از ظرفیت‌های نشر ایران برای حضور در بازارهای بین‌المللی کتاب نیز مطرح است و تاکنون توانسته موفقیت‌های قابل‌تأملی را کسب کند. با وجود این، نشر کودک و نوجوان نیز در سال‌های اخیر به تبع اوضاع نابسامان صنعت نشر از روزهای طلایی و رشد خود فاصله گرفته و امروز با مشکلات خرد و کلان متعددی روبه‌روست.

کتاب کودک که در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ با شمارگان ۲۰ هزار نسخه منتشر می‌شد، در این سال‌ها در خوشبینانه‌ترین حالت بر مدار ۲۰۰۰ نسخه می‌چرخد. افزایش قیمت کتاب از یک سو، تغییر سبک زندگی کودکان امروز و علاقه‌مند و وابسته شدن به ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی مانند گوشی‌های همراه سبب شده تا کتاب بیشتر از هر زمان دیگری از سبد خانواده‌ها خارج شود.

از سوی دیگر، حوزه کودک و نوجوان با خلأ دیگری با عنوان تعطیلی مجلات ادبی روبه‌روست؛ مجلاتی که دنیای شیرین کودکی را برای کودکان دهه ۶۰ و ۷۰ رقم زده بود و حالا جزو خاطرات فراموش‌نشده این قشر به‌شمار می‌رود، کم‌کم در این سال‌ها چراغ‌شان یکی پس از دیگری خاموش شد یا با وجود فعالیت، رونق همیشگی را ندارد.

شرکت چاپ و نشر بین‌الملل از ناشران موفق کشور است که اخیراً با ورود به حوزه نوجوان، دریچه جدیدی را برای مخاطبان‌ش گشوده است. در این شماره به معرفی دو کتاب در

رده سنی نوجوان که از سوی این انتشارات چاپ و در نمایشگاه کتاب امسال رونمایی شده، می‌پردازیم.

طاہره مشایخ در دومین اثرش با عنوان «ماموریت فلامینگوها»، باز هم مخاطبش را از زندگی شهری و آپارتمان‌نشینی دور می‌کند و سفر تازه‌ای را برایش رقم می‌زند. خواننده را همراه با قهرمانان نوجوان داستانش به جاده‌های سرسبز گیلان و رودخانه سفیدرود و ساحل دریا می‌برد. این نویسنده شخصیت‌هایش را از نوجوان‌های اقلیم بندر کیش انتخاب کرده و آنها را به دل جاده می‌سپارد؛ جاده‌ای که به دلیل کرونا و وضعیت قرنطینه بسته است و پسرها باید به هر قیمتی شده خودشان را به رشت برسانند تا کار مهمی انجام دهند. این چه کار مهمی است که باید از بندر کیش به رشت بروند؟

ماموریت فلامینگوها حاصل ماجراجویی‌ها و خرابکاری‌های یونس و دانیال است که می‌خواهند قهرمان بازی دریاورند و با شجاعت و تلاش، خودشان را به خانواده و شهرشان نشان دهند. آنها در این مسیر با افراد تبه‌کاری روبه‌رو می‌شوند و اتفاق‌های غیرمنتظره‌ای برای‌شان رخ می‌دهد.

آیا آنها می‌توانند در این راه موفق شوند؟

رسیدن به یک حس مشترک با کسانی که نسبت به‌شان دید خوبی ندارى، کار دشواری است؛ مخصوصاً اگر نوجوان باشی و پرشر و شور.

«فاطمه جدیدی» در رمان «کنانی‌های کوکام»، ماجراهای پرفرازونشیبی را روایت کرده. اتفاقاتی که از دل دغدغه‌های مهیج چند نوجوان به وجود می‌آیند و آنها را با مفاهیمی مثل اتحاد برای نام ایران عزیز، مواجه می‌کند.

مهران، نوجوانی است که در یکی از روستاهای مرزی ایران زندگی می‌کند. او که با عباس میانه خوبی ندارد، به دلیل دوستی با عماد، حاضر می‌شود به او درس‌هایش کمک کند.

امتحانات جبرانی نزدیک است و عباس که همیشه از زیر بار درس خواندن فرار کرده، این بار هم سر قرار حاضر نمی‌شود.

مهران که از روستای بالاتر آمده تا هم در خرماچینی عماد را همراهی کند و هم عباس را در درس‌هایش کمک کند، از نیامدنش شاکی می‌شود. او که همیشه با عباس کلنجارهایی داشته و دارد، با عماد قرار می‌گذارد حسابی از خجالتش در بیابند که با خبر می‌شوند به روستای مهران، حمله شده. حالا چند نوجوان بدون وسیله درست و حسابی باید خودشان را به روستا برسانند تا مهران بتواند مادرش، بی‌بی و خواهرش مریم را از معرکه نجات دهد.



برگ سبز و سند کمپانی تیبیا ۲، مدل ۱۳۹۷، رنگ سفید، پلاک ۲۵۳ و ۹۷-ایران ۸۸، شماره موتور ۱۵/۸۶۷۶۰۷۲ M15، شماره شاسی ۸۲۱۱۱۱۹۲۸۷۱ NAS، به نام محمدرضا فرمهبینی، فراهانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری سمند ایکس ۷، مدل ۱۳۸۲ به رنگ متالیک شماره انتظامی ایران ۲۳-۳۸۵ ن ۸۵ شماره موتور ۱۲۴۸۲۰۱۵۳۰۸ شماره شاسی ۸۲۲۴۸۷۸۷۲ به مالکیت محمد یزدانی، فضل‌آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند مالکیت ۳ دانگ از ۶ دانگ خانه مسکونی به مساحت ۲۳۱/۷۳ متری به آدرس: بویین، میان‌دشت روستای آغچه، به شماره ملکی فرعی ۳۷۷ از اصلی ۲۰۴، واقع در بخش ۱۳ به مالکیت قربانعلی موسوی به شماره ملی ۶۲۱۹۸۴۶۶۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ التحصیلی فرنوش جلالیفر فرزند فتح الله به شماره شناسنامه ۲۷۲۱ و کد ملی ۱۲۹۰۸۷۰۷۷۲ صادره از اصفهان در مقطع کارشناسی پیوسته در رشته مهندسی مواد گرایش سرامیک در واحد دانشگاهی شهرضا با شماره ۰۲۸۳۳۰۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از پابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا ارسال نمایند.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو مدل ۱۳۹۳ رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۱۳-۳۱۰۱۳۴ شماره موتور ۱۲۴۸۰۴۲۴۵۸ شماره شاسی ۸۲۱۱۱۱۹۲۸۷۱ NAAN01CA3EK851882 به مالکیت رضا خسروی فرد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سمند X7 مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره پلاک ۱۸۴ ب ۲۲-ایران ۱۱ به شماره موتور ۱۲۴۸۲۰۱۵۳۰۸ شماره شاسی ۰۰۸۲۲۵۷۸۸۸ به نام عصمت شادمانی با کد ملی ۲۹۹۱۲۸۴۸۲۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سند کمپانی کارت خودرو سواری پژو آر دی آی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ به رنگ پشمی روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳-۹۵۱۹۵ شماره موتور ۱۲۴۸۰۰۰۷۸۱ شماره شاسی ۲۳۴۰۰۵۱۲ به مالکیت علی نصری نصرآبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

قرارداد واگذاری امتیاز توانمندسازی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پروژه چیتگر شماره قرارداد ۹۹/۰۹۲۶۵/چ/۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ به نام یوسف مهرنیا مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، کارت سوخت و برگ سبز موتور سیکلت انژکتوری BENELLI TNT249 مدل ۱۳۹۹ به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۶۳۵-۴۸۴۶۸ شماره موتور ۰۲۴۹۲۳۱۶۳۴۸۳ شماره شاسی ۸۲۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳ N23DDBJDFL1B09069 به مالکیت حسین اعظمی دولت‌آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

زودتر با خبر شوید ...
www.mozayedemonaghese.com
واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۱۴۲۵



کتابخانه‌های مرکزی مرکز ترویج امید

میثم رشیدی مهرآبادی

سردبیر
قفسه‌کتاب



نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در چند سال اخیر در راستای طراحی خدمات و برنامه‌های یک طرح بسیار بزرگ را با مدیریت جهادی و جوان‌گرایی آغاز و در آن اقدام به راه‌اندازی کتابخانه‌های مرکزی در سراسر کشور کرده است. هفدهم اسفند سال گذشته و همزمان با سالروز میلاد با سعادت قطب عالم امکان حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف، دوازدهمین کتابخانه مرکزی ایران اسلامی در شهر مقدس قم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرکل و معاونان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و جمعی از مدیران استانی و کشوری در کنار فعالان فرهنگی و کتابداران استان قم به بهره‌برداری رسید. دوازدهمین کتابخانه مرکزی ایران اسلامی نیز همانند شبکه وسیع ۳۸۰۰ کتابخانه عمومی کشور است که چند تفاوت شاخص دارد: اول این که مساحت آن چندین برابر یک کتابخانه عمومی است و این کتابخانه با ۳۵۰۰ متر مربع بنا شده است. دوم این که تعداد منابع آن بسیار بیشتر از کتابخانه‌های دیگر است به گونه‌ای که مرجعیت منابع یک استان غالباً در کتابخانه‌های مرکزی تعریف می‌شود؛ البته در قم کتابخانه‌ای با عنوان آیت... العظمی سید علی خامنه‌ای از پنج کتابخانه استاندارد ایران وجود دارد که تعداد منابع آن بیشتر از کتابخانه مرکزی است.

سوم این که هر کتابخانه مرکزی، خدماتی را شامل می‌شود که واقعا فکری هم برای بسیاری از علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی و حتی بسیاری از اساتید همین رشته، کمی سخت است که یک کتابخانه این خدمات را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

مخاطبان و اعضای کتابخانه‌های عمومی در کتابخانه عمومی محله در بهترین حالت می‌توانند از خدمات فرهنگی مرتبط با حوزه کتاب بهره‌مند شوند اما مدیران خلاق و جوان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و ایده‌پردازان کتابخانه‌های مرکزی برای هر کدام از این کتابخانه‌ها، بیش از ۴۰ خدمت را تعریف کرده‌اند. به عنوان مثال در کتابخانه‌های مرکزی بخشی مختص کودک وجود دارد که اتاق اسباب بازی فقط یک قسمت کوچک آن است. در کنار این بخش، اتاقی به نام «اتاق انتظار والدین» نیز وجود دارد که خانواده‌های عیالوار به خوبی می‌دانند چه امکان حیاتی و مهمی است برای نوجوانان، بخشی به نام «اتاق علم» هست که محوریت آن آزمایش‌های علمی است و پر است از چیزهایی که توجه نوجوان را به خود جلب می‌کند. تازه برای سالمندان نیز بخش ویژه‌ای تعبیه شده است. بد نیست سری به یکی از این کتابخانه‌ها در استان خودتان بزنید تا ببینید نهاد کتابخانه‌ها، بدون هیچ ادعایی چه کار بزرگی را بی‌سر و صدا در کشورمان انجام داده است. خدمت به ناشنویان و ساختن کدهای دیگر بخش‌های کتابخانه مرکزی قم است.

احداث کتابخانه مرکزی قم در سال ۱۳۸۹ از محل اعتبارات سفر رهبر معظم انقلاب در زمینی به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع و زیربنای ۳۴۰ مترمربع، در سه طبقه آغاز و ساختمان آن توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم به عنوان مجری پروژه تکمیل شد. در سال ۱۳۹۹ با پیشرفت ۷۰ درصدی ساخت بنا، فرآیند تجهیز کتابخانه با توجه ویژه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با هزینه‌ای بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال با تجهیزات و خدمات مدرن و به روز در سطح جهانی آغاز شد.

این کتابخانه با ظرفیت ارائه ۴۰ خدمت متنوع به ۱۰۰۰ نفر به صورت همزمان آغاز به کار کرد و هم اکنون با ۳۶ هزار نسخه کتاب بزرگسال و ۵۰۱۷ نسخه کتاب کودک، آماده ارائه خدمت به مردم قم است.

مخزن اصلی کتابخانه دارای ۳۳ هزار نسخه کتاب در موضوعات متنوع شامل دینی و مذهبی، روان‌شناسی، علوم کامپیوتری، علوم اجتماعی، علوم کاربردی، علوم محض، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیاست و قابلیت گسترش تا ۶۰ هزار نسخه را نیز دارد. مخزن کتابخانه شامل بخش‌های خدمات فنی و آماده‌سازی، کمک درسی، مرجع و نوسودان است.

کتابخانه مرکزی قم در همین مدت کوتاه توانسته ۴۳۶۲ عضورا جذب کند که عدد قابل توجهی است. علاقه‌مندان همچنان می‌توانند شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه تا ۲۱ و پنجشنبه‌ها از ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه تا ۱۹ به خیابان امام خمینی (ره)، روبه‌روی پمپ بنزین مراجعه کنند.

گشت و گذاری

خیال



۱ بعد از عنوان بزرگ کتابخانه مرکزی قم که روی کاشی‌های لاجوردی و روی ساختمان آجر سه سانت کتابخانه خودنمایی می‌کند، عنوان «میز خدمت»، مشخص‌ترین چیزی است که به استقبال مان می‌آید. با خانمی مهربان که پشت میز به نحو احسن پاسخگوی مراجعان است.



۵ یک نیم طبقه کامل را هم گذاشته‌اند برای مطبوعات و هفته‌نامه‌ها برای همه سلیقه‌ها. دو دستفروشی هم دو طرف اتاق قرار داده‌اند تا راحت بنشینیم و غرق بشویم.



۲ گشت و گذار را از بالاترین نیم طبقه شروع می‌کنیم. جایی که قرار بوده دفتر مدیر کتابخانه باشد اما حالا تبدیل شده به جایی برای مطالعات گروهی با امکاناتی که نمی‌شود آنها را در این محله مستضعف‌نشین قم، تصور کرد. مدیر کتابخانه هم طبیعتاً دفتر و دستکی ندارد و لایه‌لای کتاب‌ها کارهایش را رتق و فتق می‌کند.



۶ اینجا بخش کودک است؛ با یک فرق اساسی. سالن مطالعه دختران گذاشته‌اند. وارد که می‌شود؛ هم به خاطر خنکی هوا و هم به خاطر کولر و خیال‌هایشان شده‌اند.



۳ بعد می‌رویم سراغ قرائت‌خانه یا سالن مطالعه (برادران). حق دارید بپرسید چرا اینجا خلوت است؟ سوال تان را با یک جمله جواب می‌دهم: چون هوا گرم است. دمای ۴۰ درجه‌ای قم را بدون کولر و پنکه نمی‌شود تحمل کرد و اینجا هنوز کولر ندارد.



۷ گوشه‌های دنج را مادران گرفته‌اند. هم حواص گنده‌های طلبگی تشکیل داده‌اند برای صحبت برای بچه‌هایشان از کتابخانه بگیرند و بخوانند می‌گیرد. او هم می‌داند اینجا قم است.



۴ اینجا هم شش اتاق خصوصی گذاشته‌اند برای محققان و نویسندگان که هیچ چیزی حواس‌شان را پرت نکند اما همان گرمای هوا، کار خودش را کرده. هیچ‌کس در این هوای دم کرده و داغ نمی‌تواند به راحتی بخواند و بنویسد.



۱۱

دیدن ردیف‌های به هم پیوسته مخزن کتابخانه، حالم را بیش از پیش خوب می‌کند. انتظار داشتم اینجا خبری از نوجوانان نباشد اما صندلی‌ها و ردیف‌های مخزن پر است از دختران و پسرای که کتاب‌ها، حواس‌شان را به کلی از اطراف پرت کرده است.

لابه‌لای کتاب‌ها و کتابخوان‌ها در «کتابخانه مرکزی قم»

پردازی و اندیشه‌ورزی در دمای ۴۰ درجه!



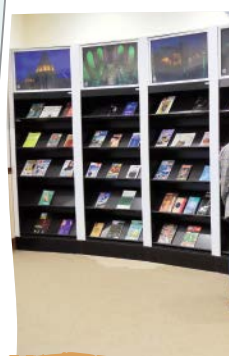
۱۲

نحوه دسته‌بندی و چینش کتاب‌ها طبق استاندارد کتابداری است اما سلیقه دست‌اندرکاران کتابخانه مرکزی قم باعث شده رده‌های کلی را به بخش‌های ریزتری تقسیم کنند تا پیدا کردن کتاب‌ها برای اعضا، مثل آب خوردن راحت باشد؛ آب خنکی که در نوشیدنش در هوای گرم کتابخانه لذتبخش‌تر است.



۸

بخش مبتنی بر وب، پر است از کتاب‌های صوتی و رایانه‌هایی که می‌شود پشت‌شان نشست و با هدفن‌های حرفه‌ای در متن کتاب‌ها غرق شد. حتی اشتراک درگاه‌های تصویری را هم برای اعضا خریدده‌اند که اگر دل‌شان خواست، بنشینند به دیدن فیلم‌های علمی و آموزشی.



لبوعات. انواع و اقسام مجله‌ها ست مبلمان شیک و مجلسی شینیم و در متن‌ها و عکس‌ها



۱۳

بخش ویژه ناشنویان و نوسوادان هم جلب توجه می‌کند. انواع کتاب‌هایی که ساده‌سازی شده‌اند تا این گروه‌ها هم بتوانند با آنها ارتباط بگیرند. کتاب‌هایی که نه کتاب کودکانند و نه کتاب بزرگسال.



۹

جالب‌ترین بخش کتابخانه که کنار مخزن اصلی قرار دارد، بخش نوجوان است. جدا کردنش از بخش کودک، یعنی برای نوجوانان، شأن جدایی در نظر گرفته‌اند. گرچه هوا داغ است اما همچنان چند نفر گوشه امن بخش نوجوان نشستند به گپ‌وگفت و ورق زدن کتاب‌ها.

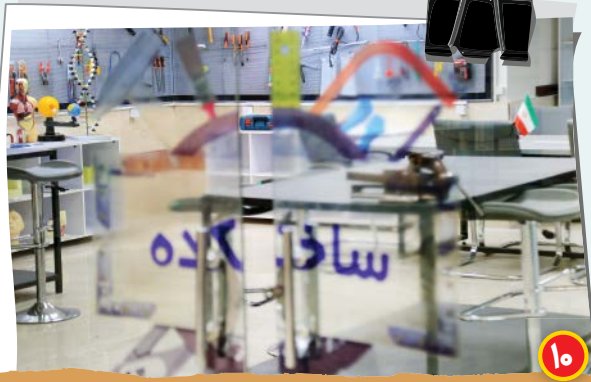


نها کولر ساختمان را برای اینجا و شویم. حس بهشت به ما دست و دکان ناز و دلبری که غرق کتاب‌ها



۱۴

وقتی به کتابخانه رسیدیم که نشست نقد و بررسی کتاب «پرفسور فوفو» برای کودکان و نوجوانان به پایان رسیده است. گرچه سالن خالی است اما من که گزارش نشست‌های برگزار شده در آن را پیگیری می‌کنم، می‌دانم هفته‌ای چندبار، علاقه‌مندان کتاب و ادبیات در آن دور هم جمع می‌شوند.



۱۵

چشمم چهارتا می‌شود. این همه آچار، پیچ‌گوشی و چکش اینجا چه می‌کند؟! خانم محمدی می‌گوید اینجا ساختگه است. جایی مثل آزمایشگاه فیزیک و زیست‌شناسی که نمونه‌اش را آخرین بار در دوران دبیرستان دیده‌ام. بچه‌ها با کمک مربی کتابخانه، اینجا با ابزارها و تندیس‌های کالبدشناسی، سر خودشان را گرم می‌کنند.



س‌شان به بچه‌هاست و هم انگار ت درباره کتاب‌هایی که بهتر است بد. عکاس‌مان اجازه انتشار را هم

مجموعه تلویزیونی «سوران»

از هفته گذشته سریال «سوران» از تولیدات سازمان سینمایی سوره که اقتباسی از کتاب «عصرهای کریسکان» است، روی آنتن شبکه یک رفت. این سریال چهارشنبه و پنجشنبه در ساعت ۲۲ پخش شد. عصرهای کریسکان عنوانی است که گلزار راغب برای کتابش انتخاب و توسط انتشارات سوره مهر منتشر کرده است. کریسکان جایی است که راوی کتاب دوران اسارتش را در آنجا گذرانده است؛ محدوده‌ای کوهستانی در کردستان عراق؛ مقر اصلی حزب دموکرات ایران. جایی که عصرهایش بوی خون می‌دهند و تقریباً روزی نیست که بعد از جای عصانه اعدامی نداشته باشد. راوی اصلی عصرهای کریسکان، جوانی است به اسم امیر سعیدزاده ملقب به سعید سردشتی که شبیه عده‌ای از جوانان در اوایل انقلاب، در ابتدا از ایدئولوژی قیام به درستی اطلاع ندارد و برای سرگرمی و تفریح در پخش اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام کمک می‌کند اما پس از مدتی و در پی آشنایی با افرادی همچون مهدی باکری و علی صالحی پایش به انقلاب می‌رسد و تحت تعقیب و شکنجه نیز قرار می‌گیرد ولی این تازه آغاز ماجرای سعید است.

بعد از پیروزی انقلاب و با آغاز جنگ، گروه‌ها و سازمان‌های جدید و بحران‌های نوبه‌نو کردستان را فرا می‌گیرد و اصل ماجرا از اینجا شروع می‌شود. سعید سردشتی در این اتفاقات حضور دارد و تلاش می‌کند با مردم شهر و استانش همراه باشد. نویسنده همراه با روایت سردشتی، روایت‌هایی زنانه از همسر او نیز آورده است و دلهره‌ها و آشوب‌های همسر و مادر او را روایت می‌کند. ماما نه فقط در روایت‌های همسر سعید، بلکه در فصل‌های مختلف کتاب با خانواده‌های آشنای شویم که با وجود غم‌ها و دردها، در خط مقدم نبرد ایستاده‌اند و از آرمان و عقیده‌شان عقب ننشسته‌اند.

عصرهای کریسکان، روایت جنگ یک نیروی گردانی یا اطلاعاتی نیست. امیر سعیدزاده شبیه هیچ‌کس نیست. حتی شکنجه‌ها و فرارش نیز مانند هیچ‌کس نیست. «با جوالدوز به جانم می‌افتند و بدنم را سوراخ سوراخ می‌کنند. بعد داخل تنوری که تازه خاموش شده و دیواره و خاکسترش داغ‌داغ است می‌اندازند. آرام آرام عرق می‌کنم و نم‌نم تب می‌کنم. یواش یواش بوی پختگی بدنم را حس می‌کنم و به ناچار فریاد می‌زنم.»



چند گلایه و هشدار در دامن‌دانه از طرف پیشکسوتان دفاع مقدس

از این اوقات بطالت را به «چگونه نوشتن» بگذرانیم و به این نسل که اکثریت‌شان جنگ را دیده‌اند، آیین نگارش بیاموزیم تا سینه‌های لباب از خاطره را به آسانی روی کاغذ بیاورند و به سینه تاریخ بسپارند...

تکرار این حرف‌ها و افسوس‌هایی فایده‌است. بسیاری از این بچه‌های جنگ، دنیای ما را ترک کردند، بقیه فراموشی سراغ‌شان آمده و فقط کلیاتی از آن ایام را در ذهن دارند.

در گفت‌وگو با آنها و درخواست از آنان برای توجه به کتاب و ثبت خاطرات‌شان زبان به گلایه می‌گشایند.

در نگارش کتاب جنگ، احساساتی عمل کردیم. برای ۱۸ روز خاطرات یک دختر ۱۴ساله در پشت جبهه، بیش از هزار صفحه کتاب نوشتید و برای هشت سال حضور ما در خط مقدم، اهمیتی قائل نشدید، چرا؟

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟!

آن‌گونه که ما می‌گوییم، نمی‌نویسید!

پیر شدیم و رفت. برای شهید... کتابی نوشتید که من از روز اول جنگ تا روز شهادتش کنارش بودم، معاونش بودم و بعد از شهادتش جانشین او شدم تا پایان جنگ، ولی یک دقیقه با من درباره او مصاحبه نکردید!

همدانی‌ها می‌گفتند: چرا سراغ فرماندهان ما مثل حاج مهدی کبانی و سردار شادمانی نمی‌روید؟ هر وقت کتاب آنها چاپ شد، سراغ ما بیایید.

مشهدی‌ها می‌گفتند: هر وقت حاج باقر [قالیباف] کتابش بیرون آمد، من مصاحبه می‌کنم!

یکی از پیشمرگان کرد گفت: ما بچه‌های کردستان را فراموش کردید. هم در کتاب و هم در فیلم‌ها. نمونه‌اش فیلم «ج» بود که هیچ اشاره‌ای به نقش ما کرده‌ها در شکست محاصره پاره نشده! (با عصبانیت)

فشار زندگی و تورم همه چیز را از یادمان برده. (با خنده)

خدا پدر سردار نائینی را بیمارزد؛ بعد از ۳۵ سال، اولین بار است که در همایش امروز ما را تحویل گرفتند و در روزهای آخر عمر، رفقای قدیم را دیدیم.

شما برای راهیان نور و یادواره شهدا ما را دعوت نمی‌کنید و فراموش مان کردید، حالا می‌خواهید خاطرات ما را کتاب کنید! و...

سخنان و گلایه‌های‌شان همه بحق بود و امید است هشدارهای دردمندان این جماعت که بقیه السلف نسل انقلاب و جنگ هستند، راهنمای مسئولین و متولیان فرهنگ دفاع مقدس باشد.

آن فروریخته گل‌های پریشان در باد

کز می‌جام شهادت همه مدهوشانند

نام‌شان زمزمه نیمه شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانند



علی رستمی

نویسنده و روزنامه
دفاع مقدس

صبح روز یکشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۲ به دعوت سردار نائینی، رئیس مرکز تحقیقات و مطالعات سپاه به همایش «قهرمانان خط‌شکن» رفتم. در این همایش که در سالن اجتماعات ۵ آذر بسیج تشکیل شد حدود هزار نفر از فرماندهان قرارگاه‌ها، لشکرها، تیپ‌ها و گردان‌های رزم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند که افتخار هم‌نشینی با این اسطوره‌ها، نصیب من و ۱۲-۱۰ نفر از نویسندگان و پژوهشگران شد. سالیان سال این جماعت همدیگر را ندیده بودند.

بعضی از اینها در طول عمرشان فقط یک بار با بی‌سیم با هم صحبت کرده بودند، آن هم یک دقیقه در شبی از شب‌های آفتابی شلمچه، برای اطمینان از الحاق گردان‌شان با گردان چپ یا راست.

متوسط سن این هزار نفر در اوج دفاع مقدس شاید به ۲۵ سال نمی‌رسید و اکنون همگی پای به دهه هفتم عمرشان گذاشته‌اند. جز عده کمی که حضورشان را در جنگ ثبت و ضبط و به کتاب رسانده بودند، بقیه لب به سخن از جنگ باز نکرده و شاید کسی احوال و خاطرات‌شان را جوینان نشده بود و امروز و فردا است که خاطرات و کتاب خود را با خود به سینه تراب ببرند. (دل‌م نیامد بگویم خاطرات خود را با خود به گور می‌برند.)

در همین سالن، سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ که من در این نیرو (نمسا) حضور داشتم، همه پنجشنبه‌ها کلاس‌های تحلیل سیاسی برگزار می‌شد که ریالی سود در آن نبود.

بارها گفتم و به مسئولین نامه نوشتم که اجازه دهید تا ساعتی

شما برای راهیان

نور و یادواره

شهدا ما را دعوت

نمی‌کنید و

فراموش مان

کردید، حالا

می‌خواهید

خاطرات ما را

کتاب کنید!



او قبل از آغاز

تجاوز ارتش

صدام به خاک

ایران، نگهبان

یک تاکستان

بوده و پس از

شروع جنگ نیز

مسئول نگهبانی

در مناطق جنگی

شده است

«شکار چیان‌ماه» وقایع دفاع مقدس را باز گو می‌کند

چنین وضعی است که نیروی گشتی، مثل موشی که ریسمان بچود، روی زمین می‌خزد تا کارش را بکند. کسی او را نمی‌بیند چون قرار نیست دیده شود اما می‌داند که هست و کار می‌کند و شاید بالای سرت ایستاده باشد به تماشا. بدشانی مجروح هم همین بود. در بدوقتی زخمی شده بود. صدرا اول نیروهای کمین شنیدند.

«کسی از گشتی‌ها جلو رفته بود؟»

او باید از دیگری می‌پرسید و پرسید.

«نه! کسی رو جلو نداریم. چرا می‌پرسی؟»

«به صدای انفجار اومد!»

«کجا؟!»

«بین دو خط!»

«صدای چی؟! خمپاره؟»

«نه به صدای مین شبیه بود.»

روال همیشه به هم خورده بود. وقتی نبود که صدای انفجار

حوادث رمان «شکار چیان‌ماه» در فضای پس از جنگ رخ می‌دهد و وقایع دفاع مقدس، از زبان نگهبان یک شرکت تعطیل شده در اطراف هور بازگو می‌شوند. او در موقعیتی خاص، مشغول نگهبانی از تاسیسات این شرکت است و به تشریح وضعیت هور در دوران جنگ می‌پردازد.

بخش عمده رمان شکار چیان‌ماه به فضای ذهنی و زندگی شخصی این نگهبان اختصاص داده شده است. او قبل از آغاز تجاوز ارتش صدام به خاک ایران، نگهبان یک تاکستان بوده و پس از شروع جنگ نیز مسئول نگهبانی در مناطق جنگی شده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

یکی دو هفته‌ای از ماجرای خبرچین‌ها و ستون پنجم می‌گذشت و هنوز موفقیتی به دست نیامده بود. نه تنگ غروب بود و نه قبل آن. حدود نیمه شب بود. از آن وقت‌هایی که منطقه مرموز می‌شود، به خصوص آتش بس ناگفته هم شکل گرفته. همه می‌دانند در

بباید. اتفاقی در حال وقوع بود. حالا که گشتی خودی نرفته بود جلو، آیا ممکن بود عراقی‌ها در میدان خودشان باشند و مثلاً در حال برچیدن آن؟ تا حالا کسی ندیده بود که دشمن شب حمله کند. ولی شاید فردا برای حمله آماده می‌شدند. نگهبان کمین به سنگر مخابرات گزارش داد و فرمانده دسته و بعد هم فرمانده گروهان‌ها آمدند روی خط تا سردر بیاورند که چه شده. بی‌سیم‌ها به صدادرآمدند و فرمانده

پورصمیمی آمد تا سنگر و کمین

وازم‌ها، تقاضای منور کرد.

(صفحات ۱۳۷ و ۱۳۸)

رمان شکار چیان‌ماه نوشته

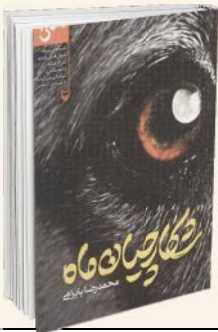
محمد رضا بایرامی با ۳۸۶

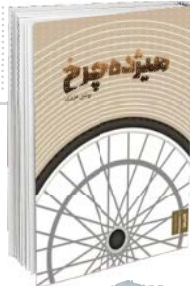
صفحه، شمارگان ۱۲۵۰ نسخه

و قیمت ۱۶۵ هزار تومان در سال

۱۴۰۱ توسط انتشارات سوره مهر

منتشر شد.





زخم‌هایی از «آخوندهای درباری»

محمد محمدی



فعال
حوزه کتاب

از بار معنایی مثبت کلمه علم و عالم که عبور کنیم در همه ادوار تاریخ در مقابل جبهه حق علمایی بودند که نقش زیادی در پیشبرد اهداف طاغوت داشته‌اند؛ علمایی که از طرفی طبق روایتی از حضرت رسول (ص) چراغ‌های زمین و جانشینان پیامبران برای هدایت بشری هستند تبدیل به راهی برای ظلمت مردم و جانشینان طاغوت می‌شوند. تذکر قرآن نسبت به بلغم باعورا و علمای یهود بیانگر اهمیت توجه به این دسته از علماست. با مطالعه تاریخ اسلام نیز به نقش پررنگ این دسته از عالمان، از بعد رحلت پیامبر که دست به تحریف سنت و مظلومیت امیرالمؤمنین و فتوا برای جنگ با نوه رسول... و جعل احادیث برای حکومت طاغوتی بنی‌امیه و بنی‌عباس و برنامه مبارزاتی معصومان در برابر اهداف این دسته از علمایی خواهیم برد. انقلاب اسلامی نیز به عنوان تنها حکومت شیعه بر مبنای ولایت فقیه بعد از غیبت کبری نیز از مصاف با علمایی که در لباس روحانیت در خدمت طاغوت بوده‌اند مستثنا نبوده است. اهمیت توجه به این قشر که در ادبیات امام و رهبری با عنوان «مقدس‌نماهای بی‌شعور» و «آخوندهای درباری» معرفی می‌شوند به قدری است که امام در اواخر عمرشان رنج‌نامه‌ای با عنوان منشور روحانیت منتشر کرده و این دسته از علما را به عنوان بزرگ‌ترین عامل آسیب در پیشبرد اهداف اسلام معرفی می‌کنند. «آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در تاریخ روشن است.»

منشور روحانیت

در ادامه نیز امام، طلاب را نسبت به خطرات آنها متوجه کرده و آنها را مروج اسلام آمریکایی می‌داند. «طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش‌خط و خال کوتاهی نکنند. اینها مروج اسلام آمریکایی و دشمن... هستند.» / منشور روحانیت بخشی از این هوشیاری نسبت به خطرات این قشر با آگاهی و مطالعه از پیشینه تاریخی آنها به دست می‌آید. کتاب مصاف به قلم سیدمحمد مهدی دزفولی به صورت مستند سه نفر از شخصیت‌های معاصر انقلاب که روزی در جایگاه مرجعیت و قائم‌مقام رهبری، مبنای ولایت فقیه را تدریس و روزی به عاملان کودتای نوزده و منتقدان به ولایت فقیه تبدیل شده‌اند، پرداخته است. توجه در بُعد تاریخی به سیر سقوط کسانی که روزی در خدمت جبهه حق بودند و سرانجام از مسیر خودشان منحرف شدند، ما را به یکی از مهم‌ترین اهداف تاریخ‌خوانی که «عبرت» است، نزدیک می‌کند.



در نشست بررسی کتاب «هیژده چرخ» مطرح شد

«هیژده چرخ»؛ سفری معنوی به یک ساحت مقدس



می‌کنم که درصد بالایی از انتظاراتم برآورده شده است.

سمیه جمالی: هنوز در ایران به ناداستان توجه چندانی نمی‌شود

ناداستان، قالبی است که این روزها در دنیا پررنگ‌تر شده و مخاطبان هم از آن استقبال می‌کنند. در ایران هنوز به روایت نویسی، جستارنویسی و ناداستان توجه چندانی نمی‌شود و نگاه پایین دست به آن دارند. برای سنجش و نقد ناداستان یا جستار، بهتر است ابتدا بدانیم با چه معیارهایی قرار است آن را بسنجیم. این‌که بخوایم این اثر را با معیارهای داستانی بسنجیم، اشتباه است. اگر با معیارهای رمان و داستان به این اثر نگاه کنیم، ایراد زیادی می‌توان از آن گرفت ولی اگر به عنوان ناداستان آن را بررسی کنیم، قضیه فرق می‌کند. بخش عمده اهمیت ناداستان در تجربه زیسته است و نویسنده در این کتاب تجربه زیسته خود را نوشته است.

تخیل هم در ناداستان جادارد

از نظر نثر، از اواسط کار پاپس از گذشت یک سوم داستان، نثر جامی افتد و از یک جایی به بعد حلاوت و شیرینی قلم اتفاق می‌افتد. برخلاف این تصور که در ناداستان تخیل جایی ندارد، من معتقدم که یک جاهایی تخیل هم در ناداستان جا دارد و در این اثر نیز این را حس می‌کنیم. اتفاقاً جایی که نویسنده از تخیل استفاده کرده، موفق بوده و خط هم شکسته نشده است. همچنین معتقدم که پرداختن بیشتر به برخی شخصیت‌ها و ارائه جزئیات بیشتر، می‌توانست جذابیت روایت را بالا ببرد.

دوست داشتم برخی روایت‌ها بیشتر ادامه پیدا می‌کرد

در روایت نویسی نباید صرفاً چیزی را روایت کنیم و رد شویم، بلکه نویسنده باید با تدقیق و تجربه زیسته خود در ادامه به تحلیل بپردازد که در این کتاب کمتر چنین چیزی را می‌بینیم. نکته دیگر این‌که به نظر من برخی روایت‌ها می‌توانستند با یکدیگر ترکیب شوند. به تعداد عنوان‌ها و حجم اندک روایت‌ها نقد دارم. به عنوان خواننده، دوست داشتم برخی روایت‌ها بیشتر ادامه پیدا می‌کرد و بیشتر از آنها بخوانم. در مواردی احساس می‌شد که انگار به سؤالات ذهنی خواننده جواب داده نمی‌شود. حتی می‌شد در بخش‌هایی از کتاب از تصویر هم استفاده کرد. در کل این اثر را موفق دیدم و امیدوارم که خوب دیده و خوانده شود و امکان ترجمه داشته باشد.



کند. این روایت‌ها بیشتر شبیه یادداشت‌هایی هستند که هرچه جلوتر می‌رویم، بیشتر شکل داستانی به خود می‌گیرند و از اواسط داستان نیز خرده‌روایت‌ها به میان می‌آیند. در بخش‌های پایانی انگار نویسنده به یک ساحت معنوی ورود و سعی کرده مشاهدات خود را به خواننده منتقل کند.

شخصیت‌پردازی و فضا سازی

«هیژده چرخ» را می‌توان یک سفر معنوی به یک ساحت مقدس دانست که علاوه بر سیر و سلوک معنوی راوی، ما را هم به آن فضا می‌برد و مخاطب، معنویت حاکم بر آن فضا را حس می‌کند. در این اثر هم شخصیت‌پردازی و هم فضا سازی صورت گرفته است. در واقع از همه عناصر داستانی به اندازه استفاده شده است. با وجود تأکید بر ناداستان بودن این کتاب، چیزی که در نهایت در ذهن می‌ماند، داستان است، هرچند سعی شده رئال بودن کار پررنگ باشد. مخاطب به خوبی احساس می‌کند که نویسنده قرار نیست چیزی را از او پنهان کند.

همسان‌سازی در شروع و پایان، رعایت نشده!

یکی از نقدهایی که بر کتاب وارد است درباره موضوع همسان‌سازی محتواس؛ همسان‌سازی در شروع و پایان کار، چندان رعایت نشده است. روایت اصلی به عنوان یک کنش داستانی مطرح است ولی در این اثر وقتی خرده‌روایت‌ها وارد می‌شوند، روایت اصلی به نوعی رها می‌شود. هرچند نویسنده در پایان سعی کرده به خط اصلی داستان برگردد. فکر می‌کنم میانه‌های داستان به این دلیل که از خط روایت اصلی فاصله گرفته، اندکی برای مخاطب خسته‌کننده می‌شود. ماجرا در ابتدا با یک شروع مناسب داستانی همراه است، در میانه‌ها از خط اصلی فاصله گرفته و در پایان به خط و روایت اصلی بازگشته است.

این اثر را موفق می‌دانم

شخصیت اصلی این کتاب، در پایان به شخص دیگری تبدیل شده و انتظار ما هم از داستان همین است. در این کتاب، شخصیت اصلی به نوعی خودآگاهی و سیر و سلوک معنوی رسیده و به بیانی صاحب‌فتوا می‌شود. نویسنده توانسته کاری کند که مخاطب برداشت دلخواه خود را از داستان داشته باشد. در پایان من نوعی احساس می‌کنم داستان جایی تمام شده که باید تمام می‌شد. در مجموع این اثر را موفق می‌دانم و در مقام خواننده احساس



نشست بررسی کتاب «هیژده چرخ»، با حضور یونس عزیزی (نویسنده کتاب)، علی... سلیمی (نویسنده و منتقد ادبی)، سمیه جمالی (نویسنده و منتقد ادبی) و تعدادی از دست‌اندرکاران نشر صاد و اصحاب رسانه در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

یونس عزیزی: اتفاقات این کتاب واقعی است

انگیزه من از نوشتن این کتاب، از قبل طراحی شده نبود. به عنوان نویسنده، زبستی که دارم و اتفاقاتی که پیرامون من رخ می‌دهد، برایم اهمیت دارد. تقریباً از دو سال پیش که با حرم حضرت معصومه (س) ارتباط داشتم، اتفاقات روزمره و مراداتی را که با زائران داشتم، می‌نوشتم. بعد که تصمیم گرفتم این یادداشت‌ها را به کتاب تبدیل کنم، قالب روایت یا به بیانی روایت داستانی را برای آن انتخاب کردم. تمام اتفاقات این کتاب واقعی است. البته کسی که روایت می‌نویسد هم حتماً از عناصر داستانی برای جذاب کردن روایت استفاده می‌کند.

آیا این کتاب فقط برای شهر قم مصرف دارد؟

وقتی کتابی نوشته می‌شود، سیر خود را طی می‌کند و نویسنده هم به آن سنجاق نیست که بخواهد درباره آن توضیحی ارائه دهد. لذا اگر موفق باشد، مشخص می‌شود و اگر کم و کاستی داشته باشد هم مخاطب متوجه می‌شود. در جلسات نقد سعی می‌کنم بیشتر با شنیدن، در آثار بعدی کم‌وکاستی‌ها را برطرف کنم. درباره این موضوع که آیا این کتاب فقط برای شهر قم مصرف دارد یا همه مردم ایران، ذکر این نکته لازم است که هدف من این بوده که حتی اگر هموطنی در سیستان و بلوچستان هم آن را خواند، بتواند با آن ارتباط برقرار کرده و فضای داستان را تصور کند.

علی... سلیمی: روایت‌های معمولی کتاب هم رنگ داستان به خود گرفته

معتقدم کتاب «هیژده چرخ» یک ناداستان است. از خواندن کتاب لذت بردم. این کتاب یک اثر ساده و صمیمی است. نه نویسنده کتاب ادعا کرده و نه موضوع آن برمی‌تابد که این اثر چیز ویژه‌ای باشد ولی چون نویسنده تکنیک بلد است و مهارت دارد، روایت‌های معمولی‌اش هم رنگ داستان به خود می‌گیرد. نویسنده در این اثر سعی کرده چندان از شخصیت اصلی دور نشود و مشاهدات خود را از یک ساحتی در این قالب روایت

سند مالکیت (کارت سبز) و سند کمپانی خودرو پژو 207i مدل 1401 رنگ مشکی شماره پلاک ایبران 11-479 ن 12 شماره موتور 19180004407 شماره شاسی NAAR434E2NJ703175 به مالکیت نرگس مقرب مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فراغ تحصیلی هادی نوریمان چاروان فرزند داود به شماره شناسنامه 344 صادره از تهران در مقطع کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی تفرش با شماره سریال 2499523 مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از بابتده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش به نشانی تفرش، میدان معلم به سمت جاده معین‌آباد، مجتمع دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش صندوق پستی 164-39515، کدپستی 39517-39519 ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی Quik R، مدل 1401، رنگ سفید، پلاک 832 ه 24-ایران 38 شماره موتور M159673674، شماره شاسی NAPX212AAN1126930 به‌تمام هدی احمدیان یزدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پراید مدل 1389، پلاک 152 م 89-ایران 56 شماره شاسی S1412289473503 شماره موتور M1373472689 به‌تمام فرزاد شعبانزاده مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

پویش ۲۰۰ میلیون ریالی

پویش «زندگی به سبک کتاب» با هدف معرفی کتاب‌هایی با موضوعات اجتماعی و رخدادهای داخل جامعه به همت مجموعه رسانه کتاب «پنج و هفت» برگزار می‌شود. اولین کتاب این پویش، «ویولون زن روی پل» است؛ روایتی درباره رهایی از اعتیاد است آن هم توسط یک نویسنده!

خسرو باباخانی نویسنده این کتاب پس از ترک اعتیاد خود می‌گوید: من این خاطرات را نوشتم تا راه (ترک) را به چند میلیون مصرف‌کننده مواد مخدر نشان دهم. ممکن است بگویند شاید یک نفر راه بیاید. من می‌گویم در این صورت هم اجرم را گرفته‌ام. در مقابل رنج بی‌انتهای مصرف‌کننده‌ها و خانواده‌های شان آبرو و اعتبار خانواده من چه اعتباری دارد؟

در این اثر، مفاهیمی مانند اصلاح اشتباهات در زندگی و تغییر سبک زندگی، در کنار روایت نویسنده از زندگی شخصی‌اش بیان شده است. برای این پویش، ۲۰۰ میلیون ریال جایزه نقدی در نظر گرفته شده است. گفتنی است تمامی علاقه‌مندان شرکت در پویش «زندگی به سبک کتاب» با محوریت کتاب ویولون زن روی پل می‌توانند با ارسال عددی یک به شماره پیامکی ۳۰۰۸۶۹۹۷۷ یا 5۷۸7.ir از پایگاه اینترنتی برای تهیه کتاب اقدام کنند. این پویش از ۱۵ اردیبهشت ماه آغاز شده و تا ۳۱ تیرماه ادامه دارد.



ترجمه: کاظم مطلبی

انتشارات: مؤسسه بوستان کتاب

قیمت: ۵۵ هزار تومان



قفسه کتاب

ویرترین

۲۱۲

ضمیمه کتاب | ۲۳ خرداد ۱۴۰۲

معاون ضمائم: احسان رستگار
سردبیر: میثم رشیدی مهرآبادی
مدیر هنری: حمیدرضا خاتونی
ویراستار: اکبر فکری
صفحه آرا: حمید عینی خراسانی

ادیت عکس: زرناز حسینی
همکاران این شماره:
علی رستمی، محمد محمدی
میشاق رشاد مهر، رضا شعبانی
محمد سرشار

شناسنامه

تلفن گویا: ۳۳۰۰۴۴۴۴

JAMEJAM.NEWS

کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

info@jamejamdaily.ir

- نویسنده: احمد کریمی
- انتشارات: شهید کاظمی
- قیمت: ۳۵ هزار تومان



امیرحسین احمدی را می‌شود یک غافل به تمام معنا از سپاه و کار نظامی دانست؛ غافلی که ناغافل وارد مسیر نظامی‌گری می‌شود و نهایتاً در بیابان‌های تدمر سینه به سینه و چشم در چشم داعش می‌جنگد.

امیرحسین دوبار به سوریه می‌رود که بار اول مصادف می‌شود با روزهای بعد از مراسم عقد. بار دوم اما قول و قرارهای مراسم عروسی را گذاشته‌اند که بحث اعزام مجدد پیش می‌آید. اعزامی که همزمان می‌شود با عملیات بزرگ صحرا در تدمر و وعده‌ای که سردار سلیمانی برای پایان کار داعش در این کره خاکی داده است. این کتاب بر محور اعزام دوم او و با مروری به خاطرات گذشته رقم می‌خورد.

آنچه در مواجهه انسان با جهان پیرامونش اهمیت دارد، قدرت برقراری ارتباط و اثرگذاری بر دیگران است. این ویژگی مهم، هویت و حقیقت انسان را می‌سازد و تغییرات درونی و بیرونی و سبک زندگی او را رقم می‌زند. هیچ انسانی نمی‌تواند به اثرات رفتاری خود بی‌تفاوت باشد و خواسته یا ناخواسته الگویی را در مواجهه با رفتارهای خود و دیگران دنبال می‌کند.

در این میان شیوه و الگوی مواجهه، از جمله مفاهیمی است که در سبک زندگی اهمیتی ویژه دارد و باید تبیین شود. این کتاب با بررسی الگوهای دینی شیوه مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی را بررسی کرده است.



نقش کتاب در احساس مسئولیت و توجه به مسائل زیست محیطی

کتاب «پروفیسور فوفو» بررسی شد؛



یکی از آثار کتاب خواندن این است که احساس تعلق خاطر نسبت به محل زندگی و سرزمین را در ما ایجاد می‌کند

مسأله، یکی از توانمندی‌هایی است که به خصوص برای کودکان و نوجوانان، یادگیری و کسب آن توصیه می‌شود. البته قبل از حل مسأله، مهارتی وجود دارد به نام دیدن مسائل محیط اطرافمان که نیازمند دقت و توجه است و یکی از کارکردهای کتاب می‌تواند سوق دادن توجه ما به مشاهده و تامل در مسائل محیط اطراف مان باشد.

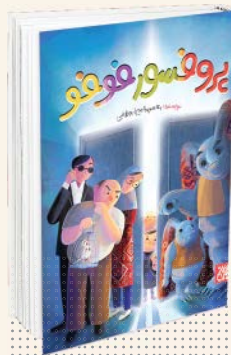
«فوفو» در نقش محیط بان

وی در ادامه با اشاره به ویژگی‌های کتاب افزود: کتاب ریتم و ضرباهنگ بسیار خوبی دارد که به خوانش آن کمک می‌کند و کمتر نوجوانی را می‌شناسم که از خواندن آن خسته شده باشد؛ ضمن آن که شخصیت پردازی‌های کتاب بسیار درست انجام شده است و مخاطب می‌تواند ویژگی‌های «سارا» شخصیت اصلی داستان را به خوبی درک و با او همذات پنداری کند.

ایمان طلب همچنین مابه‌ازای «فوفو» در زندگی واقعی را محیط بانان دانست و تصریح کرد: شخصیت فوفو در این کتاب، وظیفه مراقبت از محیط زیست و موجودات زنده از جمله «گلیم گوش»‌ها را دارد که شاید بتوان آنها را به محیط بانان تشبیه کرد.

وی در پایان پیشنهاد کرد شخصیت‌های این کتاب طراحی و به صورت بازی و هنرهای تجسمی و رسانه‌ای در اختیار مخاطبان قرار گیرد. در پایان این مراسم، از هشت نفر از اعضای کتابخانه‌های عمومی برگزیده در مسابقه کتابخوانی از کتاب «سرگذشت داستانی محیط زیست» قدرانی شد.

همچنین تقدیر ویژه این مراسم از فردوس نادعلی زاده، کتابدار کتابخانه حضرت ولی عصر (عج) روستای مبارک‌آباد به دلیل فعالیت‌های زیست محیطی و آموزش حفظ محیط زیست و توسعه پایدار به کودکان و نوجوانان انجام شد.



داستانی فانتزی با استفاده از افسانه‌های ایرانی

در ادامه این نشست، معصومه میرابوطالبی، نویسنده کتاب با اشاره به اهمیت محیط زیست گفت: محیط زیست جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم و من نیز در طول سال‌های زندگی‌ام با دیدن تخریب محیط زیست اطرافم که بیشتر آن ناشی از فعالیت‌های انسانی بود، متاثر شده و دغدغه داشتم. با توجه به اهمیت آموزش محیط زیست به کودکان و نوجوانان، این کتاب را در دو جلد نوشتم که به زودی جلد دوم آن نیز منتشر خواهد شد. وی در ادامه با اشاره به استفاده از شخصیت‌های ایرانی در کتاب گفت: در نوشتن کتاب‌ها تلاش کردم از دو نکته بهره ببرم: اول داستان‌های فانتزی که مورد علاقه نوجوانان است و دوم استفاده از المان‌های ایرانی که در این کتاب از شخصیت «گلیم گوش» به عنوان یکی از شخصیت‌های افسانه‌ای ایرانی استفاده کرده‌ام.

دسترسی به کتاب با کمترین هزینه

میرابوطالبی در پایان خاطرنشان کرد: خوشبختانه امروز کتاب‌های خوبی توسط نویسندگان در حوزه کودک و نوجوان نوشته می‌شود. دسترسی به کتاب از طریق کتابخانه‌ها با کمترین هزینه امکان‌پذیر است، که همین موضوع موقعیت خوبی برای نوجوانان جهت خواندن و لذت بردن از کتاب فراهم کرده است.

کارکرد کتاب خواندن در توجه به مسائل

زیست محیطی

زینب ایمان طلب، کارشناس حوزه کودک و نوجوان و منتقد ادبی نیز در این نشست با تأکید بر مهارت دیدن مسائل و نقش کتاب در این زمینه عنوان کرد: می‌دانیم در عصر حاضر، مهارت حل